

نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای
نواحی مرزی

بیشتر اقوام و مذاهب ایران در نواحی مرزی قرار گرفته و اکثر آنها در آن سوی مرز نیز دارای گستره جغرافیایی هستند؛ لاجرم نواحی مرزی تحت تاثیر نگاه امنیتی قرار گرفته و نسبت به مرکز از توسعه پایینی برخوردار است. از طرفی مرز یکی از پارامترهای حساس و راهبردی در حیات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و توسعه یک کشور است و مانند ویت‌ترین برای ثبات و پیشرفت کشور عمل می‌کند، همچنین مرزها با توجه به ماهیتی که دارند بر تقویت یا تضعیف امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی موثر هستند. در همین راستا تأمین امنیت مرزها، همواره یکی از موضوعات مهم و کاربردی است که نه تنها با گذشت زمان از اهمیت آن کم نشده، بلکه معیارها و مسائل جدیدی نیز به آن اضافه شده است. در حقیقت آنچه امروز همه درباره آن متفق القول هستند این است که داشتن مرزهای مطمئن و امن در اجرای سیاست حسن همجواری و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و هدایت‌کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار است. پیچیدگی مسائل مرزی در عصر کنونی، ضرورت توجه به ابعاد گوناگون آن را خصوصا از بعد امنیتی بیشتر نمایان می‌کند. افزون بر این تأثیرات مستقیم و گسترده مرزهای هر کشوری بر استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی و فرهنگی آن کشور، اهمیت پرداختن به تأثیرات امنیتی مرزها را آشکار می‌کند.

علت‌های نامی در مناطق مرزی

انزوی جغرافیایی، عمدتاً ناشی از انطباق مفاهیم اقتصادی و جغرافیایی بر یکدیگر است. تحت تاثیر این خصوصیت، به دلیل سختی دسترسی (به دلیل عوامل جغرافیایی، صحرا، کویر و...) که مهم‌ترین مسأله در انزوی جغرافیایی به شمار می‌رود، سرعت ارتباطات کند شده، و در نتیجه، به دلیل کم‌توجهی و عدم صرفه اقتصادی در بهره‌برداری از منابع محدود این مناطق، فرآیندهای بعدی توسعه آن، از دیگر مناطق کشور عقب‌تر می‌ماند. انزوی جغرافیایی باعث جدا افتادگی و گسستگی میان مناطق مرزی و مناطق داخلی کشور، نبود دسترسی یاکند آن و فراموشی در یک موقعیت بن‌بست خواهد شد. همچنین دوری از مرکز موجب بروز دو پیامد ذهنی و عینی می‌شود: ذهنیت دوری از مرکز باعث دوری تعلقات، دوری فکری و دوری تفاهات با مرکزی می‌شود. در بعد عینی نیز باعث کاهش عمران و آبادانی این مناطق و تشدید محرومیت و قضائی و اجرایی و دوری مسئولان مرکز نشین از مشکلات این مناطق می‌شود. پیامدهای ناشی از این ویژگی شامل کاهش کنترل مرکز بر این مناطق، عدم تعادل منطقه‌ای و عدم گرایش به جذب فعالیت‌ها و سرمایه‌هاست. برای مثال استان سیستان و بلوچستان به دلیل عدم سرمایه‌گذاری لازم طی سال‌های گذشته جزو استان‌های محروم و کمتر توسعه یافته است. این استان دارای امکانات بالقوه و استعداد مطلوبی در زمینه‌های مختلف اقتصادی است ولی در بحث سرمایه‌گذاری، به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و محرومیت‌های خاص اقلیمی و دوری از مرکز تصمیم‌گیری، وضعیت مناسبی ندارد. یکی از ویژگی‌های مرزی کشورها که تاثیر مستقیمی بر امنیت مرز دارد، داشتن تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی در نواحی مرزی است. این پدیده ناشی از همزهی تحمیلی است که معمولاً به وسیله قدرت‌های جهانی و در کشورهای تحت سلطه یک منطقه قومی یا فرهنگی در منطقه مجاور قرار می‌گیرد. این پدیده به مرور زمان، در مناطق مرزی باعث تشکیل گروه‌های قومی، اجتماعی و فرهنگی بین ساکنان دوسوی مرز شده که تاثیر مستقیمی بر امنیت مرز دارد که میزان همگرایی یا واگرایی قومی- فرهنگی این گروه‌های اجتماعی مرتزین را محکومیت مرکزی نشان می‌دهد. به بیانی دیگر، اگر این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی با مشکل کمتری روبه‌رو می‌شود، اما هرگاه به دلایلی این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی واگرایی داشته و نسبت به گروه‌های اجتماعی آن سوی مرز همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز با مشکل جدی روبه‌رو می‌شود. اگر مرتزینشان دو سوی مرز از یک قوم و طایفه بوده و خوشایندی هم بین آنان وجود داشته باشد رفت‌وآمدهای غیرقانونی نیز در این میان رواج خواهد داشت. گرچه ایران از کشورهای متنفذ و راد خودجای داده‌است، اما ایرانیان در کل از یک بستر فرهنگی- تاریخی منسجم و استوار بر موفقه‌های انسانی- اجتماعی برخوردارند. موقعیت مرزی اقوام، موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را سخت‌تر کرده و اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که مقبیه آنها در روزی مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. توسعه و امنیت دارای رابطه متقابل هستند. از یک سو هر چا که امنیت باشد، توسعه پایدار می‌شود و فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی است؛ از سوی دیگر هر چا که توسعه باشد، امنیت وجود دارد. توسعه و حرکت به سوی آن، به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه، امنیت ملی در کشور می‌تواند. زمانی که در یک جامعه امنیت نباشد، امکان سرمایه‌گذاری وجود نخواهد داشت و کاهش سرمایه‌گذاری موجب تعمیق عقب‌ماندگی خواهد شد. در مقابل، عدم توسعه نیافتگی در یک ناحیه، نامی‌های اجتماعی و فرهنگی شدیدی به همراه خواهد آورد. وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه نامتوازن بخش‌های جغرافیایی کشور موجب آسیب همبستگی و وحدت ملی شده و به بروز تحولات واگراییانه و ویژه در مناطق قومی منجر شده است. به رغم تلاش‌هایی که طی این سال‌ها در جهت رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته انجام شده است، گستره‌ای از کشور که شامل حوزه‌های مهمی همچون مناطق و نواحی مرزی هستند، به دلایلی از قبیل انزوی جغرافیایی، نااهم‌نگی‌ها، نامی‌های ناشی از جنگ تحمیلی و عوامل محدودکننده امنیت سرمایه‌گذاری از چرخه توسعه بازمانده‌اند و به‌رغم وجود قابلیت‌های فراوان، شاخص‌های توسعه در آنها در سطح مطلوبی نیست.



اسماعیل گرامی مقدم در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

قالبیاف چشم‌انداز دیگری برای جایگاه اجرایی خود متصور است

جبهه‌ی پایداری به دنبال تصاحب کامل
هیأت رئیسه مجلس است

حضور اصلاح‌طلبان در مجلس
از نظر کیفیت مهم است نه کمیت

آرمان ملی - احسان انصاری: با توجه به نتایج انتخابات مجلس آرایش سیاسی مجلس دوازدهم به چه صورت خواهد بود؟ آیا جبهه‌ی پایداری بر سر ریاست محمد باقر قالبیاف به اجماع خواهد رسید؟ اصلاح‌طلبان و مستقلینی که وارد مجلس شده‌اند چه نقشی در مجلس آینده خواهند داشت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر اسماعیل گرامی، مقدم، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی و قائم مقام حزب اعتماد ملی گفت‌وگو کرده است. گرامی مقدم معتقد است: جبهه‌ی پایداری نیز اگر به این نتیجه برسد که قالبیاف از این قابلیت برخوردار است که رقیب جدی آنها به شمار رود آنها نیز به ریاست قالبیاف تن خواهند داد. باین وجود جبهه‌ی پایداری تلاش می‌کند هیأت رئیسه و کمیسیون‌های مجلس را در اختیار بگیرد و به نظر می‌رسد در این کار نیز موفق خواهند شد. در چنین شرایطی پیش بینی می‌شود مجلس دوازدهم نسبت به مجلس یازدهم تا حدودی معتدل‌تر شود و ترکیب و آرایش سیاسی آنها نیز متفاوت خواهد بود. در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مجلس آینده به همین صورت خواهد بود.

با توجه به نتایج انتخابات مجلس در اسفند
سال گذشته آرایش سیاسی مجلس آینده چگونه
خواهد بود؟

انتخابات مجلس دوازدهم به شکلی برگزار شد که سه گروه وارد مجلس شدند و به همین دلیل آرایش سیاسی که در مجلس آینده شکل خواهد گرفت حول این سه گروه خواهد بود. اولین گروهی که وارد مجلس شده‌اند جبهه‌ی پایداری است که به صورت تشکیلاتی در انتخابات حضور پیدا کردند و گاندیداهای آنها به خصوص از مجلس بیرون شدند و وارد مجلس شده‌اند. به نظر می‌رسد که اکثریت مجلس نیز در اختیار همین گروه خواهد بود. گروه دوم آقای قالبیاف و نزدیکان ایشان است که در تهران و یا برخی شهرستان‌ها رأی آورده‌اند. گروه دیگر که نزدیک به ۵۰ نماینده خواهد بود گروه مستقلین هستند که نسبت به مجلس آینده افزایش قابل قبولی دارند. در کنار مستقلین افرادی که نزدیک به جریان اصلاحات قلمداد می‌شوند نیز در حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر هستند که در مجلس آینده حضور خواهند داشت. در نتیجه آرایش سیاسی مجلس آینده با محوریت سه گروه جبهه‌ی پایداری، یاران قالبیاف و مستقلین و اصلاح‌طلبان شکل خواهد گرفت. در مرحله نخست جبهه‌ی پایداری که طیف تندرو جریان اصولگرایی به شمار می‌رود تلاش خواهد کرد ریاست و هیأت رئیسه مجلس را به صورت کامل تصاحب کنند. و این در حالی است که در بیرون از مجلس تلاش‌هایی در حال صورت گرفتن است که قالبیاف دوباره به عنوان رئیس مجلس انتخاب شوند و در درون مجلس روی ریاست وی اجماع صورت بگیرد. در این شرایط اگر مستقلین و اصلاح‌طلبان با توجه به رایزنی‌هایی که صورت می‌گیرد به قالبیاف برای ریاست مجلس نزدیک شوند و از وی حمایت کنند این احتمال که قالبیاف دوباره به ریاست مجلس برسد بیشتر خواهد شد. جبهه‌ی پایداری نیز اگر به این نتیجه برسد که قالبیاف از این قابلیت برخوردار است که رقیب جدی آنها به شمار رود آنها نیز به ریاست قالبیاف تن خواهند داد. با این وجود جبهه‌ی پایداری تلاش می‌کند هیأت رئیسه و کمیسیون‌های مجلس را در اختیار بگیرد و به نظر می‌رسد در این کار نیز موفق خواهند شد. در چنین شرایطی پیش بینی می‌شود مجلس دوازدهم نسبت به مجلس یازدهم تا حدودی معتدل‌تر شود و ترکیب و آرایش سیاسی آنها نیز متفاوت خواهد بود. من این تحلیل را براساس سوابق کسانی که وارد مجلس شده‌اند ارائه می‌کنم و فکر می‌کنم با توجه به شناختی که از رفتار این افراد داریم آرایش سیاسی

جبهه پایداری که طیف تندرو
جریان اصولگرایی به شمار می‌رود
تلاش خواهد کرد ریاست و هیأت
رئیسه مجلس را به صورت کامل
تصاحب کنند. این در حالی است که
در بیرون از مجلس تلاش‌هایی در
حال صورت گرفتن است که قالبیاف
دوباره به عنوان رئیس مجلس
انتخاب شوند و در درون مجلس
روی ریاست وی اجماع صورت بگیرد

جدید نیز به وجود می‌آورد. اگر مستقلین مجلس و اصلاح‌طلبانی که وارد مجلس شده‌اند موفق شوند یک حرکت تشکیلاتی منسجم در پیش بگیرند و حتی برخی کرسی‌های ریاست مجلس را نیز به دست بگیرند این احتمال وجود دارد که مجلس دوازدهم از تندروی‌هایی که در مجلس یازدهم وجود داشت فاصله بگیرد. در صورتی که چنین اتفاقی رخ نداد مجلس جدید نیز به سمت طرح‌هایی خواهد رفت که با خواسته‌های عمومی جامعه همخوانی نداشته باشد. واقعیت این است که طرح‌هایی مانند حجاب و عفاف و صابنت از فضای مجازی و طرح‌های مشابه این طرح‌ها با اقبال مواجه نشده‌اند و برای حاکمیت نیز مقدر نیست که هزینه‌های بیشتری بابت چنین طرح‌هایی بپردازد. این در حالی است که در هفته‌های اخیر کشور با تهدیدات بین‌المللی مواجه بوده و اقدامات نظامی بین‌طرفین وجود داشته و این احتمال نیز وجود دارد که این تهدیدات در آینده نیز ادامه خواهد داشت. جمهوری اسلامی نیز در این تهدیدات اقتدار خود را نشان داد که این اقتدار به انسجام و تقویت پایه‌های مشروعیت مردمی منجر شده است. به همین دلیل دست‌زدن به چنین طرح‌هایی به صلاح نیست، بلکه هزینه‌های جدیدی برای حاکمیت ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل نیز قوه عاقله نظام و به خصوص در مجلس باید در همین راستا حرکت کند که طرح‌هایی را در دستور کار قرار بدهند که به سود مشروعیت نظام تمام شود و نه اینکه هزینه‌های جدیدی ایجاد کند و دست‌اوردها را زیر سوال ببرد.

مجلس یازدهم طرح‌های پر سر و صدایی مانند
طرح حجاب و عفاف و طرح صیانت از فضای مجازی
را در دستور کار قرار داد. آیا مجلس دوازدهم نیز در
همین مسیر حرکت خواهد کرد یا تلاش می‌کند به
دنبال طرح‌هایی حرکت کند که با اقبال عمومی
همراه باشد؟

نتیجه حرکت به سمت چنین طرح‌هایی ناراضیاتی بخشی از جامعه بود. این ناراضیاتی نیز خود را در انتخابات مجلس دوازدهم نشان داد که میزان مشارکت در انتخابات نسبت به ادوار گذشته کاهش پیدا کرد. در شرایط کنونی وضعیت تغییر کرده و امروز مردم در زندگی خود با مشکلات اساسی مواجه هستند و حاکمیت و مجلس که یکی از ارکان آن به شمار می‌رود باید براساس قانون این مشکلات را رفع کنند. به همین دلیل اینکه اگر مجلس دوازدهم نیز دوباره به سمت چنین طرح‌هایی برود نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه مشکلات

آقای قالبیاف مدیر اجرایی خوبی است و تاکنون نیز در سمت‌هایی که حضور داشته
عملکرد موفق از خود برجای گذاشته است. این در حالی است که وی شناخت خوبی
نیز نسبت به مشکلات و معضلات جامعه به خصوص از نظر اقتصادی دارد. به همین
دلیل قالبیاف تلاش می‌کند رویکرد متعادلی در پیش بگیرد و در حد وسط قرار بگیرد.
دلیل این موضوع نیز این است که قالبیاف برای خود چشم‌انداز دیگری برای جایگاه
اجرایی در نظر دارد و به همین دلیل به شکلی عمل می‌کند که بتواند به اهداف خود
دست پیدا کند

یادداشت

دلیل عدم شکوفایی فلسفه

مهران صولتی

کارشناس اندیشه سیاسی

برخی از اندیشمندان معتقدند که تاریخ و فرهنگ ما محل نزاع دو دسته از نیروها بوده است، قوای دقت شامل فلسفه، منطق و ریاضیات و قوای حیرت شامل شعر، هنر و عرفان. بر این اساس برخی از جامعه‌شناسان هم با مقایسه دو ساحت شاعرانگی و فلسفیدن این پرسش مهم را مطرح ساخته‌اند که: اگر تعداد فیلسوفان این سرزمین به شمارگان شاعران ما نزدیک‌تر بود آیا اوضاع ما بهتر از امروز نبود؟ و اینکه پیدایش پر تعداد شاعران در ایران حتماً نسبت مهمی با اوضاع اجتماعی ایران داشته است. در این یادداشت‌ها ما به این پرسش می‌پردازیم که چرا ایران در طول تاریخ خود بستر مناسبی برای رویش و شکوفایی فلسفه نبوده است؟ ایرانیان در عصر طلایی تمدن اسلامی با تمدن یونان که تبار تاریخی غرب محسوب می‌شد مرتبط شدند. برخی از آثار فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو در این دوره ترجمه شده و فلسفه اسلامی رنگ و بوی یونانی گرفت. در همین دوره در طبیعتات نیز تبادلاتی میان دو تمدن شکل گرفت که به شکوفایی اقسام دانش‌ها انجامید. اما با هجمه نظری غزالی و حمله عملی ترکان و مغولان بنیان عقلانیت فلسفی فروریخت و صوفی‌گری و انزواجویی سکه رایج زمانه شد. فقدان ارتباط با جهان مدرن هم به پایان تلاش‌های فلسفی انجامید. در جهان پیشامدرن دو منبع عمده برای معرفت وجود داشتند: دین و فلسفه. نزاع میان حاملان این دو منبع از همان روزگار هم داستان‌هایی شنیدنی خلق کرده است. در ایران اما گسترش دین آن چنان عظیم بود که نهال نازک فلسفه مجالی برای تاور شدن نیافت. برخی فقیهان چشمی برای دیدن فیلسوفان نداشتند و حداکثر دانش کلام را برای اثبات مدعیات دینی به رسمیت می‌شناختند. فلسفه اما برای بالیدن نیازمند تعیین تکلیف خود با دین بود تا بتوانا که به عقل خود بنیاد ادعاهای آن را محک زند. در مجموع دین پیروز این رقابت شد. شکوفایی فلسفه نیازمند نقد گذشته و اکنون است. از همین رو است که فیلسوفان به گفت‌وگوی انتقادی با میراث فکری پیشین می‌نشینند، از مسائل امروزی‌ن سراغ می‌گیرند و نگاهی رو به آینده دارند. در تاریخ ایران اما حضور پررنگ استبداد و فقدان حوزه عمومی به عزت‌گزینی و حاشیه‌نشینی دامن زد و عدم شکل‌گیری گفت‌وگوی عقل‌گرایان با گذشته و حال، تداوم حیات پربار فلسفه را منتفی ساخت. فلسفه اگر نتواند با انسان، جامعه و ارتباطی متقابل در فرارز کند به وادی اوهام فرو خواهد غلتید. با ورود اندیشه‌های مدرن، ایران آبستن تغییر و سیاست به بستری مناسب برای دگرگونی مبدل شد. فاصله ایجاد شده با جهان مدرن در پی دو قرن تعطیلات تاریخی (شایگان) نوعی شتاب‌زدگی را در کالبد کنش‌گران دمید. اینکه باید هر چه زودتر عمل کرد (وارد کردن مدرنیته به مثابه کالا در نگاه منورالفرکان) یا دست‌زدن به انقلاب برای آفرینش نظم جدید سیاسی از منظر روشنفکران، بدیهی است که چیزی از این‌دولوزی می‌آید (سازده‌هایی برای سازه‌های امور پیچیده) و ناشکیبایی جامعه، فضای مناسبی را برای شکوفایی دانشی مانند فلسفه که مخاطبان را به پیچیده دیدن امور و صوری ورزیدن نسبت به تحولات دعوت می‌کرد فراهم نیاورده است.

دیدگاه

ناصر ایمانی:

دولت رکود را انتخاب کرده تا تورم پایین آید

یک فعال سیاسی اصولگرا اظهار داشت: قبل از سال جدید بنگاه‌های اقتصادی از دولت درخواست می‌کردند که قیمت‌ها افزایش یابد اما دولت گفت که این امر به بعد از ماه رمضان موکول شود یا این هدف که هم در ایام انتخابات، هم شب عید و هم در ماه رمضان تمام شده، هم عید و هم انتخابات و قیمت‌ها هم افزایش یافته است، اما به طور کلی تورم مثل آتشی است که همه اقتصاد را می‌بلعد. نمی‌شود در کشور تورم چهل درصدی وجود داشته باشد اما نرخ ارز افزایش نیابد. اقتصاد زبان خودش را دارد و مانند سیاست دستوری نیست و مانند حوزه نظامی با یک تصمیم پیش نمی‌رود. اقتصاد به حرف هیچکس گوش نمی‌دهد مگر قواعد خودش. ناصر ایمانی گفت: وقتی در کشور چهل درصد تورم وجود دارد، حتماً قیمت‌ها افزایش می‌یابد و نباید از افزایش قیمت‌ها تعجب کرد. وقتی تورم چهل درصد است یعنی روی کالاها چهل درصد افزایش قیمت داریم. نرخ ارز هم در این شرایط افزایش می‌یابد. دولت تا حدی می‌تواند نرخ ارز را کنترل کند اما این کنترل‌کنندگی تا حدی جواب می‌دهد و وقتی منابع ارزی دولت محدود است، نمی‌تواند در بلندمدت نرخ ارز را ثابت نگه دارد. وی افزود: راه اساسی در حوزه اقتصاد در گرو جسارت و تخصص است و البته بی‌توجه به روش‌هایی پوپولیستی، تورم کشور ریشه در کسری بودجه دولت دارد. وقتی دولت با کسری بودجه مواجه است، دست به خلق پول بدون پشتوانه و استقرار از بانک مرکزی می‌زند که همه این کارها باعث ایجاد تورم می‌شود. ایمانی تصریح کرد: برای حل مشکلات اقتصادی باید تصمیمات مهم گرفت که اینگونه تصمیمات جرئت بالایی می‌خواهد؛ از جمله افزایش نرخ حامل‌های انرژی از بنزین گرفته تا گاز و آب و برق. همه اینها در ایران تقریباً می‌تواند. البته افزایش قیمت باید طوری باشد که به اقشار کم‌درآمد آسیب وارد نشود. این کاهش تورم که اخیراً مشاهده می‌کنیم به ناشی از آن است که دولت، بانک‌ها را وام‌دادن به بخش‌های سرمایه‌ای محدود کرده است. در این شرایط رکود ایجاد می‌شود. دولت‌ها در شرایط بد اقتصادی با رکود را انتخاب می‌کنند تا تورم و گاهی ترکیبی از این دو، حلال دولت رکود را انتخاب کرده‌اند. مسئولان اقتصادی کشور فارغ از آگاهی‌ها و اطلاع‌اشان و فارغ از میزان هماهنگی‌شان با یکدیگر رکود را انتخاب کرده‌اند تا تورم کاهش یابد.